

The Typology of the Perceptions of Sayyed Ali Khan in Understanding the Text of the Prayers in Riyaz al-Salekin by Using Text Critique Patterns

Sajjad Mohammadfam

Abstract

Riyaz al-Salekin Interpretation of Sayyid Ali Khan is one of the comprehensive and complete interpretations of Sahifeh Sajjadieh, which is written in Arabic. The author of this commentary is proficient in various sciences, so this commentary is full of various literary, rhetorical, Qur'anic, narrative, theological and mystical topics. The main issue of this article is the typology of the perceptions of Mr. Ali Khan in understanding the text of the prayers in Riyaz al-Salekin. Using the text critique patterns, the typology the perceptions of sayyed Ali Khan are discussed. The results indicate that in the position of perception based on the text, he has used linguistic sciences to analyze the themes of the prayers in the best possible way. Also, using rhetorical sciences, he has been able to show the literal beauties of prayer and in some cases use them semantically. At the same time, he has not entered the cultural level of perception based on the text. The other part of his perceptions are beyond the text based on the any text by establishing intertextuality between the texts of prayers and verses of the Qur'an and the narrations of the Imams of the Infallibles (AS), especially Nahj al-Balaghah. In this step he has explained and developed the contents of the prayers. Also, a significant part of this description is the result of the phenomenon of interpretation in interpretation.

Keywords

Sahifeh Sajjadieh, Perception, Intertextuality, Riyaz al-Salkin, Text Critique Pattern.

Citation: Mohammadfam, S (2020) The Typology of the Perceptions of Sayyed Ali Khan in Understanding the Text of the Prayers in Riyaz al-Salekin by Using Text Critique Patterns. Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith. Vol. 6, No. 2 (Serial. 12), pp. 239-261. (In Persian)

1. Assistant Professor Department of Quran and Hadith Sciences, Azerbaijan Shahid Madani University.

Email: ac.mohammadfam@azaruniv.ac.ir.

Received on: 20/01/2020

Accepted on: 11/03/2020

گونه‌شناسی دریافت‌های سیدعلی خان در مقام فهم متون ادعیه در ریاض السالکین با بهره‌گیری از الگوهای نقد متن

سجاد محمدفام^۱

چکیده

شرح سیدعلی خان - ریاض السالکین - از شروح «کامل و جامع» بر صحیفه سجادیه به زبان عربی است. مؤلف این شرح دارای تبّخر در علوم مختلف بوده لذا این شرح آکنده از مباحث مختلف ادبی، بلاغی، قرآنی، روایی، کلامی و عرفانی است. مسئله اصلی این نوشتار گونه‌شناسی دریافت‌های سیدعلی خان در مقام فهم متون ادعیه صحیفه سجادیه است. با بهره‌گیری از الگوهای نقد متن، به گونه‌شناسی دریافت‌ها و فهم‌های صاحب ریاض السالکین پرداخته شده است. نتایج حاکی از این است که وی در مقام دریافت مبتنی بر متن، با بهره‌گیری از علوم زبان‌شناختی به بهترین شکل ممکن به تجزیه و تحلیل مضامین ادعیه پرداخته است؛ همچنین با استفاده از علوم بلاغت توانسته زیبایی‌های لفظی ادعیه را به نمایش بگذارد و در مواردی از آن‌ها استفاده معنایی نیز ببرد؛ در عین حال وارد سطح فرهنگی دریافت از متن نشده است. بخش دیگر دریافت‌های وی مبتنی بر فرای متن است که در این گام صاحب ریاض با برقراری بینامتنیت بین متون ادعیه و آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) به‌ویژه نهج البلاغه به شرح و توسعه مضامین ادعیه پرداخته است. همچنین بخش قابل توجهی از این شرح حاصل پدیده تفسیر در تفسیر است.

کلیدواژه‌ها

صحیفه سجادیه، مدنی شیرازی، نقد متن، بینامتنیت، ریاض السالکین.

استناد: محمدفام، سجاد (۱۳۹۹). گونه‌شناسی دریافت‌های سیدعلی خان در مقام فهم متون ادعیه در ریاض السالکین با بهره‌گیری از الگوهای نقد متن، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۶ (۲)، پیاپی ۱۲، صص ۲۳۹-۲۶۱.

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ac.mohammadfam@azaruniv.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۱

۹۸/۱۰/۳۰

۱. طرح مسأله

صحیفه سجادیه از غنی ترین گنجینه‌های معارف و از مفاخر میراث نیایشی به شمار می‌رود، به طوری که بزرگان شیعه آن را «أخت القرآن»، «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد (ع)» نامیده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ۱۳۵). این میراث امام سجاد (ع) به منزله دایره‌المعارفی از اصول اعتقادات، معارف توحیدی و عرفانی، اخلاقیات و مسائل اجتماعی و سیاسی است. در طول سده‌های اسلامی، دانشمندان و علمای شیعی در تلاش بوده‌اند تا با شرح این ادعیه، معارف را از خلال آن استخراج کرده و در دسترس طالبان معارف اهل بیت (ع) قرار دهند. صاحب الذریعه در حدود پنجاه شرح - غیر از ترجمه‌ها - بر صحیفه سجادیه نام برده است (نک: طهرانی، ۱۴۰۸ق، ۱۳: ۳۴۵ به بعد) که «ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین» سیدعلی خان مدنی (۱۰۵۲-۱۱۲۰ق) از جمله آن‌هاست.

ریاض السالکین با تحقیق ارزشمند آقای محسن حسنی امینی و با عنوان «ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین» در هفت مجلد به چاپ رسیده است. شارح صحیفه کتاب خود را به ۵۴ روضه تقسیم کرده و ذیل هر روضه به شرح یک دعا از ادعیه صحیفه سجادیه پرداخته است و مجموع آن‌ها را با عنوان «ریاض السالکین...» نام‌گذاری کرده است. او برای هر روضه نامی نهاده و متناسب با شماره دعاها به روضه اول، دوم، سوم و... اکتفا کرده است. صاحب ریاض السالکین، در ابتدای هر روضه مقدمه‌ای کوتاه در چند سطر متناسب با حال و هوای دعای مورد بحث آورده و سپس شروع به شرح دعا کرده است.

سید در مقدمه خود بر ریاض درباره انگیزه‌اش از نوشتن ریاض السالکین نوشته است: «تازمان حاضر غیر از کارهای مختصر و متفرقه، کسی را نیافته‌ام که اقدام به شرح جامع و کاملی بر صحیفه کرده باشد» (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۴۴). سیدعلی خان برای جبران این خلأ و به تعبیر خودش اداء این حکم مفترض - شرح صحیفه سجادیه - در سال ۱۰۹۴ق تصمیم به نوشتن شرح جامع و کامل می‌گیرد، شرحی که گره‌های صحیفه را گشوده، مجملاتش را تفصیل، گنج‌هایش را ظاهر کند و رمز و رازهایش را بگشاید. او در این زمینه این‌گونه نوشته است: «هَذَا شَرْحٌ مُفِيدٌ وَ صَرَحٌ مُشِيدٌ عَلَّقْتُهُ عَلَى الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ.. الْمَنْسُوبَةِ إِلَى سَيِّدِ الْعَابِدِينَ... يَفْتَحُ مَقَلَّهَا، وَ يُفَصِّلُ مُجْمَلَهَا، وَ يَظْهَرُ كُنُوزُهَا، وَ يَحِلُّ زُمُورُهَا». او این شرح را در سال ۱۱۰۶ق (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۴۵۲) بعد از ۱۲ سال در دارالسرور برهان‌پور تمام کرد.

خصوصیات ویژه ریاض سبب شده که همواره از بهترین شروح صحیفه به شمار آید و مورد ستایش و توجه علمای زمان خود و بعد قرار بگیرد. از جمله میرزا عبدالله افندی آن را این‌گونه توصیف کرده: «و هو شرحٌ کبیرٌ جداً من أحسن الشروح و أطولها و قد أوردَ فيه فوائدٌ غزيرة من كتب كثيرة غريبة غريزة» (افندی، ۱۴۰۱ق، ۳: ۳۶۶) و سیدمحسن امین نیز چنین گفته است: «و لم يُؤلف في شروحا مثله» (امین، ۱۴۰۶ق، ۸: ۱۵۲).

علامه امینی در الغدیر در وصف این کتاب آورده است که: «دانش از هر جای آن لبریز و فضیلت از میان دو جلدش نمایان است. هرگاه نگاهی به این کتاب بیندازی، خواهی دید که گنجینه‌های دانش و ادب از هر طرف در گشوده و مطالب و نکات علمی سر بسته‌ای را شامل است که هیچ دانشمند بزرگی جز مؤلف بزرگوار جلیل این کتاب، به آن دسترسی نداشته است» (امینی، ۱۴۱۶ق، ۱۱: ۴۵۷).

از سیری در آثار دیگر سیدعلی خان و مروری هر چند کوتاه بر این شرح، این نتیجه حاصل می‌شود که ایشان دارای تسلط و تبخّر در علوم و فنون مختلف بوده و به همین خاطر این شرح آکنده از مباحث مختلف ادبی، بلاغی، قرآنی، روایی، کلامی و عرفانی است، به گونه‌ای که این کتاب را به دایرة المعارفی از معارف اسلامی تبدیل کرده است.

با این حال تاکنون جز چند کار مختصر، آن‌هم فقط در زمینه معرفی نویسنده و ریاض السالکین، پژوهشی که به لحاظ روشی و محتوایی، این اثر را مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است. تحقیقات صورت گرفته در رابطه با این شرح و مؤلفش عبارت‌اند از:

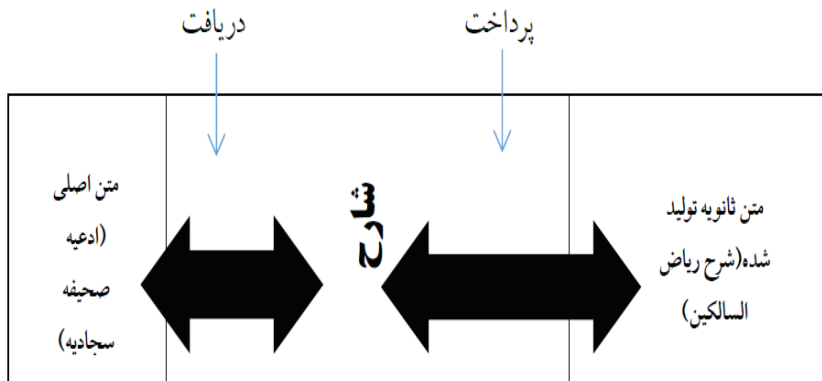
۱. پژوهشی پیرامون مؤلف ریاض السالکین: این مقاله چند صفحه‌ای صرفاً به معرفی اجمالی نویسنده و آثار او پرداخته است (نک: رضوی، ۱۳۹۱ش، ۹۶-۹۲)؛
۲. گلشن ابرار: این کتاب به خوبی و به شکل مبسوط در قالب مقاله‌ای به زندگینامه سید علی خان پرداخته است؛
۳. سه ریاض در شرح صحیفه سجادیه: این مقاله به معرفی سه شرح صحیفه سجادیه پرداخته که یکی از آن‌ها ریاض السالکین است. نویسنده در این مقاله سعی کرده گزارشی مختصر از محتوای ریاض السالکین را ارائه کند (نک: قربانی زرین، ۱۳۸۴ش، ۱۱۶-۱۲۹)؛
۴. فهارس ریاض السالکین: صاحب کتاب «فهارس ریاض السالکین» در تلاشی شایسته تقدیر، فهرستی از مطالب این شرح را ارائه داده است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

شرح «ریاض السالکین» محصول هزاران مرتبه فعالیت علمی سید علی خان است. وقتی با تفسیر و شرح به مثابه یک فعالیت علمی برخورد می‌شود، در آن صورت بیشتر جنبه فعالیت ذهنی اهمیت دارد. این فعالیت ذهنی، شبیه نوعی تفکر است که در آن حرکت از یک سری مجهول به سمت معلومات و از معلومات به سمت امر مجهول با هدف تبدیل کردن آن امر مجهول به امری معلوم، صورت می‌گیرد. هر بار که یک فعالیت ذهنی به عنوان تفسیر انجام می‌شود همین روند طی می‌شود و این روند در طول تاریخ، به دفعات بی‌شمار اتفاق افتاده و می‌افتد و خواهد افتاد و یک روال دارد بدین بیان که اول مواجه با مسئله‌ای صورت می‌گیرد، سپس جمع‌آوری ابزار و اطلاعاتی برای حل کردن صورت مسئله اتفاق می‌افتد و در نهایت کوشش می‌شود با تحلیل اطلاعات توسط ابزارها، صورت مسئله حل شود.

فرایند بالا خیلی شباهت زیادی با فرایندی ترجمه دارد؛ بدین صورت که مترجم ابتدا با متن مبدأ مواجه می‌شود و سعی می‌کند آن را بفهمد و پیام‌های آن را دریافت بکند و سپس در گام بعدی در پی آن است که پیام‌های فهمیده شده را برای مخاطبان خود به زبان دیگری و گاه‌ا به همان زبان برگردان کند. از این‌رو در بحث‌های مطالعات ترجمه همیشه وقتی سخن از فرایند ترجمه و مدل ارتباط است، از یک پیش متن به زبان اصلی و از یک پس متن به زبان ترجمه صحبت به میان می‌آید و به رابطه مترجم با پیش متن، دریافت و به رابطه مترجم با پس متن، پرداخت گفته می‌شود (پاکتچی، ۱۳۹۲، ش، ۴۸). بنابراین با توجه به شباهت شرح مضامین ادعیه با فرایند کلی ترجمه، می‌توان با تطبیق الگوی‌های مطرح در نقد متون بویژه نقد ترجمه بر فرایند فوق‌الذکر گفت که در فرایند شرح و تفسیر، با یک پدیده‌ای ترکیبی مواجه هستیم که الگویی سه بُعدی دارد. در یک طرف متکلم اصلی که القاکننده ادعیه یا با تسامح متون ادعیه است، در وسط مفسر/ شارح و در انتها نیز مخاطب یا مخاطبان قرار دارند. در ارتباطی که بین متکلم اصلی و مفسر/ شارح برقرار می‌گردد، فرایندی که اتفاق می‌افتد فرایند درک و فهم است یعنی کاری که مفسر/ شارح در این قسمت به عنوان مخاطب ادعیه و مخاطب متکلم انجام می‌دهد فهم و دریافت^۱ پیام‌های فرستاده شده از سوی القاء کننده متون ادعیه است. وقتی احساس می‌کند که به دریافتی رسیده که می‌تواند آن را مطرح کند و

حرفی برای گفتن دارد و رسالتی بر دوش، با انسان‌ها رابطه برقرار می‌کند و خود متکلمی می‌شود که مخاطب او شنوندگان یا خوانندگان تفسیر هستند. در این مرحله که مفسر به‌عنوان متکلم مطرح است و مخاطبینی را مورد خطاب قرار می‌دهد، به مرحله تولید و پرداخت^۱ می‌رسد.



در رابطه با ریاض السالکین وقتی شارح با متون ادعیه مواجه می‌شود، عمده‌ترین فعالیت او جواب دادن به این پرسش است که متون ادعیه در صدد گفتن چه هستند؟ از همین‌رو، بخش اصلی کار وی، پدید آوردن متنی درباره متن اصلی با کارکرد ارجاعی^۲ و ارزش اطلاعاتی توسعه‌یافته است. بر این پایه، مهم‌ترین پرسش درباره متن ثانی شکل‌گرفته - که عبارت از همان شرح ریاض السالکین باشد -، آن است که در طی افزایشی که در میزان اطلاعات رخ می‌دهد، این اطلاعات افزوده از چه منشأی فراهم می‌آید؟ به بیان دیگر دریافت شارح از متون ادعیه با تکیه بر چه منابعی صورت می‌گیرد؟ آیا منشأ آن یک فرایند تحلیلی بر روی متن اصلی است، یا از پیوند دادن مضامین ادعیه با اطلاعاتی بیرون از خودش این گسترش صورت‌گرفته است؟ اگر در یک فرایند تحلیلی بر روی متن این اطلاعات افزوده حاصل می‌شود آیا می‌توان برای این تحلیل، سطوحی قائل شد و آن‌ها را گونه‌شناسی کرد؟ و اگر اطلاعات افزوده حاصل پیوند محتوای ادعیه با اطلاعاتی دیگر است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان از آن اطلاعات دیگر، گونه‌شناسی ارائه داد؟ در این مقاله کوشش شده با بهره‌گیری

1. Production
2. Referential function

از الگوهای نقد متن^۱ به این سؤالات پاسخ داده شود. به بیان دیگر به گونه‌شناسی دریافت‌های صاحب ریاض السالکین، در مقام دریافت از متون ادعیه پرداخته خواهد شد.

۳. گونه‌شناسی دریافت‌های صاحب ریاض السالکین

به‌طور کلی برای فهم و دریافت از یک متن دو مکانیسم وجود دارد: اولی این‌که: در مواجهه با متن گاهی اطلاعاتی که به‌شکل بسته در متن وجود دارد، مورد تجزیه و تحلیل و حلّاجی قرار گرفته و بازتر و گسترده‌تر می‌شود؛ به‌عنوان مثال یک معنا به مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن تجزیه می‌شود. قسم دوم این است که خود اطلاعات موجود، مستقیم مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرند بلکه با بهره‌گیری از متون و اطلاعات بیرون از متن، مطالبی درباره متن گفته می‌شود که در اصل خود متن وجود ندارد (رک: پاکتچی، ۱۳۹۱ش، ۵۴-۵۱). قسم نخست را می‌توان فهم تحلیلی و قسم دوم را فهم توسعه‌ای نامید. از این‌رو بر اساس این‌که شارح در فهم خود از متون ادعیه، بر چه چیزی تکیه دارد می‌توان دریافت‌های او را به دو دسته: الف. دریافت مبتنی بر متن (فهم تحلیلی) و ب. دریافت مبتنی بر فرای متن (فهم توسعه‌ای)، تقسیم کرد. در ادامه به توضیح این دو گونه می‌پردازیم.

۳-۱. دریافت مبتنی بر متن (فهم تحلیلی)

در دریافت مبتنی بر متن، تکیه اصلی مفسر روی متنی است که می‌خواهد آن را شرح و تفسیر بکند. او با استفاده از اندوخته‌های گذشته‌اش - اعم از ابزارها، علوم و دانش‌ها - در تلاش است با تأمل و دقیق شدن در مضامین، عبارات و واژگان، نکات مبهم و زوایای پنهان متن را روشن کند و به اصطلاح متن را استنطاق کرده و آن را توضیح دهد.

این مرحله بسته به این‌که چه ابزار و دانش‌هایی مورد استفاده واقع شود دارای سطوحی است که عبارت‌اند از: الف. سطح زبان، ب. سطح ادبیات و ج. سطح فرهنگ. دکتر «برونو اوزیمو»^۲ متخصص مطالعات ترجمه در درس‌نامه مطالعات ترجمه این سه سطح را مطرح کرده است (نک: <http://courses.logos.it/>). در سطح اول؛ علوم زبان‌شناسی، در سطح دوم؛ فنون ادبی و در سطح سوم؛ علوم‌ی که به نوعی به فرهنگ مربوط می‌شوند، مانند انسان‌شناسی فرهنگی^۳ به کار می‌آیند. این سه سطح در طول

1. Textual Criticism
2. Bruno Osimo .
3. Cultural Anthropology

یکدیگر هستند و از سطحی‌ترین و پایین‌ترین سطح شروع و به عمیق‌ترین و اساسی‌ترین سطح ختم می‌شود. البته در نگاه اولی سخن از سطوح ممکن است تا حدی نامناسب به نظر آید؛ زیرا که تمام آنچه در متن شرح مشاهده می‌شود، زنجیره‌ای از عبارات‌های خطی است و مؤلف مانند یک گوینده جملاتی را پشت سر هم به زبان آورده است. از این لحاظ متن شرح اصلاً سطوحی ندارد. ولی لازم است به این نکته دقت شود که بحث از سطوح، یک بحث کاملاً نظری است که از آن برای نشان دادن کارهای متفاوتی که مفسر برای فعلیت‌بخشی به شرح و تفسیر مضامین ادعیه و دریافت از آن‌ها انجام داده سود می‌جوییم و در مقام عمل در متن شرح، تفکیک محسوسی بین این سطوح از سوی شارح اتفاق نیفتاده است.

۳-۱-۱. دریافت مبتنی بر متن در سطح زبان

هر متنی متشکل از عناصر زبان‌شناختی است که موجب معنا دار شدن آن متن می‌شوند، از این رو سطح فهم زبانی^۱ فهمی است که با بهره‌گیری از دانش‌های زبانی اعم از لغت و دستور زبان به دنبال تجزیه و تحلیل این عناصر زبان‌شناختی می‌باشد.

در این سطح از فهم، کافی است که مفسر نسبت به دانش مفردات و اشتقاق و همچنین علم صرف و نحو آشنا باشد. از آنجاکه سید علی دارای کتاب متقنی در زمینه لغت با عنوان، الطراز الاول و کتب متعددی در زمینه صرف و نحو است و این مطلب بیانگر تخصص داشتن او در این زمینه است (ر. ک: شهرستانی، ۱۳۸۴ش، ۱: ۵۳ و ۱۱۳ به بعد). سید علی خان به دلیل مهارت در دانش‌های زبانی به‌شکل مناسبی از عهده این سطح برآمده و شرح او کاملاً مشحون از مباحث لغوی، صرفی و نحوی است، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت هیچ حرف و واژه‌ای از فقرات ادعیه را وانهاد مگر این که حتماً توضیحات زبان‌شناختی در باره آن آورده است.

او در توضیح هر جمله از دعا ابتدا به معنای تک‌تک مفردات ادعیه پرداخته و معانی آن‌ها را از کتب لغت متعدد ذکر می‌کند. به‌عنوان مثال او حدود ۳ صفحه درباره لفظ جلاله الله بحث می‌کند که اولاً به چه زبانی است؟ عربی یا سریانی؟ ثانیاً اسم است یا وصف؟ ثالثاً مشتق است یا جامد؟ و اگر مشتق است از چه چیزی اشتقاق یافته؟ و رابعاً علم است یا غیر علم؟ (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۲۳۲-۲۳۴) یا مثلاً در شرح عبارت

«لَمْ يَشْهَرِهِمْ رَبُّ فِي بَصِيرَتِهِمْ وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَ الْإِتِمَامِ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ.» (صحیفه سجادیه، بخشی از دعای ۴) فقط به معنای واژگان عبارت می‌پردازد و متعرض مباحث دیگری برای بسط دادن و تفسیر نمی‌شود (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۱۳).

از جمله منابع لغوی که او به کرات از آن‌ها نقل کرده، بر اساس مواردی که صاحب فهارس ریاض السالکین گزارش کرده، می‌توان به قاموس فیروزآبادی، النهایه ابن اثیر (نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۵۵۱-۵۵۲)، المحکم و المحيط الاعظم ابن سیده (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۲۷۱، ۳۰۲، ۴۷۹، ۴۸۵، ۴۹۵ و ۵۰۱؛ برای موارد بیشتر نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۵۴۹)، المصباح المنیر فیومی (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۵۱ و ۴۶۵؛ ۲: ۱۰۴، ۱۴۹، ۱۶۲، ۱۹۳ و ...؛ برای موارد بیشتر نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۳۴۹ و ۵۵۰)، معجم مقائیس اللغه ابن فارس، مفردات راغب اصفهانی (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۲۵؛ ۲: ۴۳۱؛ ۴: ۷۴ و ۱۶۳؛ برای موارد بیشتر نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۳۳۰-۳۳۱)، الفائق و المفصل زمخشری (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۲۵؛ ۲: ۴۳۱؛ ۴: ۷۴ و ۱۶۳؛ برای موارد بیشتر نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۳۳۳-۳۳۴)، صحاح اللغه جوهری (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۳۰ و ۳۹۴؛ ۲: ۴۶۰ و ۴۹۹؛ ۳: ۹، ۵۲، ۹۱، ۱۵۶ و ۱۸۹؛ برای موارد بیشتر نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۵۴۲)، تهذیب الاسماء و اللغه نووی (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۹۴، ۴۱۸؛ ۲: ۹۱؛ ۳: ۶۰، ۹۵ و ۴۹۹)، کتاب العین خلیل (نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۳۲۹) و البارع فی اللغة قالی (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۲۹۲، ۳۴۹، ۳۹۱؛ ۳: ۸۰ و ۲۰۱؛ ۴: ۵۸) اشاره کرد.

یکی از شاخص‌های بررسی سطح زبانی در حوزه واژگان بحث مهم هم‌معنایی است. از هم‌معنایی در سنت مطالعات اسلامی به مترادف تعبیر می‌شود. اعتقاد به وجود یا عدم مترادف در زبان تأثیر بسزایی دارد. اگر شارحی قائل به مترادف واژگان در متون ادعیه باشد، به هنگام تفسیر، برخی کلمات را هم معنای برخی واژگان دیگر خواهد دانست و ضرورتی برای تحلیل و موشکافی در معناشناسی آن‌ها نخواهد دید؛ اما اعتقاد به عدم مترادف، شارح را به تلاش برای تبیین حکمت استعمال آن الفاظ و تفاوت آن‌ها با الفاظ مشابه و متقارب المعنی وا خواهد داشت.

شارح ریاض به مترادف اعتقادی ندارد ولی تقارب معنایی واژگان را می‌پذیرد از این رو اهتمام و توجه به بحث فروق اللغه و تفاوت‌های ریز و دقیق لغات مشابه و متقارب المعانی در این شرح خیلی پررنگ است. به‌عنوان نمونه می‌توان از فرق بین معرفت و علم (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۰۴)، بین خلد و بقاء (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۱۹۲-۱۹۳)، بین اتمام و اکمال (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۴۳۲؛ ۵: ۳۷۵؛ ۶: ۲۳۸ و ۲۳۹)، بین اسراف و تبذیر

(مدنی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۳۵۰)، بین نَد و مثل (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۳۱۹، ۶: ۳۱۴)، بین وَد و حَب (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۰۹)، بین فرد و وتر (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۲۸۴) و ... نام برد (برای موارد بیشتر نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۵۸۱-۶۰۰). اهتمام سید علی مدنی در این زمینه بیشتر بر نقل است و در کمتر جایی به قضاوت درباره مطلبی که نقل کرده می‌پردازد. از جمله موارد قضاوت فرق بین اخوة و إخوان است. او پس از نقل این‌که گفته شده إخوة در نَسَب و إخوان در دوستی استعمال می‌شود می‌گوید این اشتباه است به دلیل این‌که در آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (الحجرات: ۱۰)، «إِخْوَةٌ» اختصاصی به نسب ندارد و می‌تواند شامل دوستی هم بشود همچنین در آیه «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِيُكْوِلْتَهُنَّ... أَوْ إِخْوَانِهِنَّ...» (النور: ۳۱) إخوان در نسب استعمال شده است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۳۷).

یکی دیگر از مباحث مهم در سطح زبانی و مؤثر در معناشناسی واژگان، بحث اشتقاق یا ریشه‌شناسی^۱ است. شارح نسبت به این بحث حساسیت و اهتمام ویژه دارد و غیر از واژگان خیلی مشهور، ریشه‌شناسی بیشتر واژگان را یا از بزرگان لغت نقل کرده و در مواردی خود به کاوش آن پرداخته است. به‌عنوان مثال وی در توضیح واژه «تحفة» می‌گوید اصل آن وحف است که او به تاء تبدیل شده است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۱۲۸؛ سایر موارد: ۲: ۱۱۷، ۳: ۳۹۴ و ۵۲۲، ۴: ۲۸۷ و ۲۸۶ و ۲۳، ۶: ۱۰). در این کار خود به ظرافت‌های معنایی نیز توجه کرده است. به‌عنوان مثال وی در توضیح واژه «ضعف» در عبارت «فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ مُسْتَقْتِحًا بَعُونِكَ، وَ مُتَقَوِّيًا عَلَيَّ ضَعْفِهِ بِنَصْرِكَ»؛ پس در حالی که به مدد تویاری می‌طلبید و با ناتوانانیش بیاری تو نیرو می‌یافت. از دعای دوم می‌نویسد: اگر واژه «ضعف» با فتح ضاد خوانده شود به معنای ضعف در عمل و رأی است و اگر به شکل ضم ضاد «ضعف» خوانده شود ضعف در جسم مد نظر است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۴۸۴؛ سایر موارد: ۴: ۲۹، ۶: ۳۵۲).

توجه به واژگان غریب از دیگر شاخص‌های سطح زبانی در حوزه واژگان است. واژه‌های کم کاربرد، واژه‌های غیر روزمره (پاکتچی، ۱۳۹۲ش، ۸۳-۸۹)، واژه‌های قدیمی، واژه‌های چندمعنا می‌تواند از جمله واژگان غریب باشند (طیب حسینی، ۱۳۹۳ش، ۲۳-۲۵). صاحب ریاض السالکین در این زمینه گرایش به نقل از منابع متقدم دارد (نک: مدنی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۲۲، ۳: ۲۹۰ و ۴۸۴، ۵: ۲۷۹، ۶: ۱۹۵، ۷: ۱۴۸ و ۳۴۲).

سید علی شیرازی علاوه بر علم لغت، از علم صرف و نحو برای استخراج گنج‌های ادعیه صحیفه سجادیه استفاده کاملی داشته به‌نحوی که گرایش شرح او را می‌توان از

1. Etymology

این منظر‌گرایی ادبی نامید. او برای تکمیل مباحث لغوی خود و اجتهاد در مواردی که اختلاف آراء وجود دارد از علم صرف و نحو کمک می‌گیرد. به‌عنوان مثال وی درباره واژه «جمعه» ضمن نقل لهجه‌های قبایل مختلف از این واژه، با استفاده از علم صرف بین این‌که میم به ضم یا فتح یا سکون خوانده شود تمایز معنایی قائل می‌شود و عملاً عبارت را به دو معنا شرح می‌دهد (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۲۰۴). در موارد فراوانی نظرات مختلف ادیبان را مطرح کرده و به داوری میان آن‌ها می‌پردازد؛ (برای نمونه نک: مدنی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۱۹ - ۱۲۰: ۴: ۴۴۲-۴۴۰ و یا با استناد به متن صحیفه سجاده و آیات قرآن با برخی مباحث نحویان به مخالفت برمی‌خیزد (برای نمونه نک: مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۹۱، ۴۲۶-۴۲۷).

۳-۱-۲. دریافت مبتنی بر متن در سطح ادبیات

فراتر و عمیق‌تر از سطح زبانی، سطح ادبی است. از منظر زبان‌شناسی، یک متن می‌تواند در آن واحد دارای کارکردهای مختلف زبانی باشد. یعنی کارکرد اطلاع‌رسانی^۱ و انتقال اطلاعات به مخاطب فقط یکی از کارکردهای زبان^۲ است و کارکردهای دیگری هم برای زبان متصور است. از دیگر کارکردهای زبانی، کارکرد بوطیقایی^۳ یا همان ارزش زیبایی‌شناختی و هنری زبان است (http://courses.logos.it/FA/1_12.html) که در علوم اسلامی به آن سطح ادبیات - بالمعنی الأخص - گفته می‌شود؛ یعنی یک متن هم قادر است اطلاعاتی را منتقل دهد و هم تأثیر هنری و زیبایی‌شناختی داشته باشد،^۴ ولی معمولاً یکی از کارکردها، وجه غالب کلام است. سطح زبانی متکفل تبیین کارکرد اطلاع‌رسانی زبان است و سطح ادبی غالباً تبیین کارکرد بوطیقایی را بر عهده دارد.

نکته مهم در رابطه با سطح ادبی این است که نباید این‌گونه تصور شود که گوینده یا نویسنده، وقتی اساس کلام خود را کامل کرد در گام بعدی آرایه‌هایی را بر آن می‌افزاید تا سخن خود را به‌شکل زیباتری بیان کند، بلکه زیبایی یک متن و معنای آن چنان در هم تنیده شده‌اند که فهمنده‌ی معنا بدون ملاحظه زیبایی‌ها

1. Informative function.
2. Language functions.
3. Poetic function.

۴. یاکوبسن شش کارکرد برای زبان برمی‌شمرد: کارکرد ارجاعی، عاطفی، واکنش‌زا، بوطیقایی، کنترل مجرای ارتباط و کارکرد فرازبانی (برای اطلاعات بیشتر نک: فاطمه الطبال برکه، النظریه الالسنیه عند رومن جاکسون).

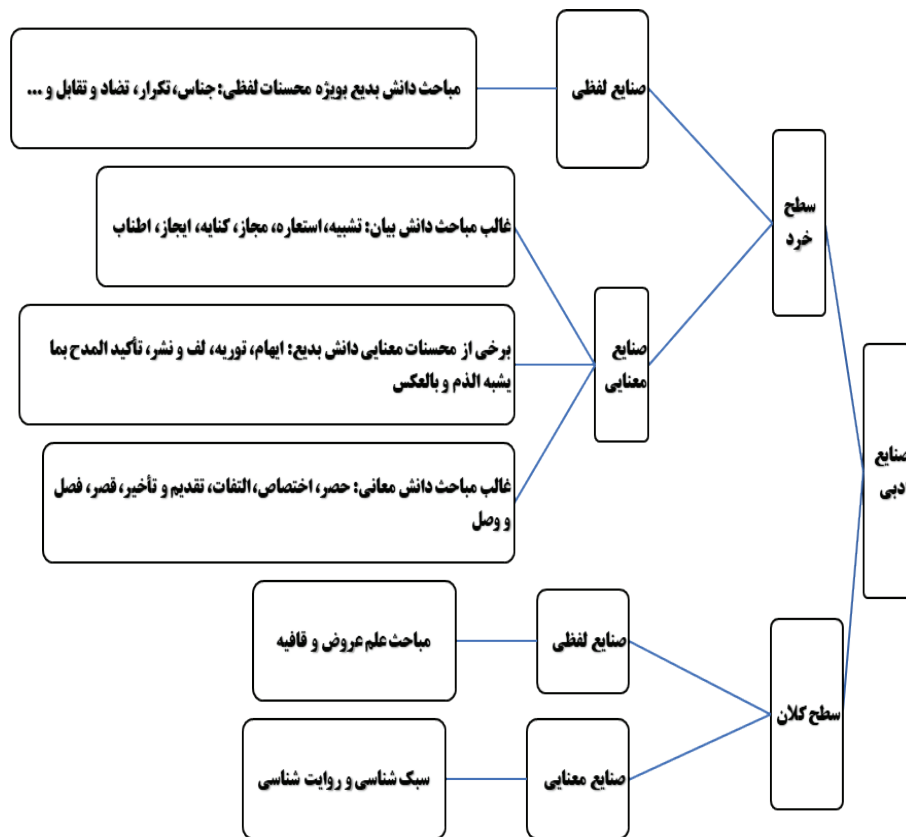
نمی‌تواند به فهم کاملی از معنای متن دست یابد. در ادعیه صحیفه سجادیه نیز یک سلسله قواعد و عناصر ادبی به کار گرفته شده است که علاوه بر زیبایی متن، در معنا تأثیرگذار هستند و اگر معنای این عناصر و قواعد درست فهمیده نشود به معنای این است که بخشی از معنا فهمیده نشده است. بر این پایه، شرح مضامین ادعیه به زیبایی‌شناسی آن نیز وابسته است و اگر شارحی صرفاً به مباحث زبان‌شناسی عبارات و واژگان قرآن کریم پرداخته باشد ولی به عناصر ادبی توجهی نکرده باشد در مقام دریافت، دریافت خیلی کاملی از عبارات ادعیه نداشته است. در سطح ادبیات راجع به دو شکل و فرم ادبی بحث می‌شود: فرم هم در جنبه فیزیکی و لفظی کلام مطرح است و هم در قسمت معنایی کلام. یعنی جایی هست که ادیب، با الفاظ آن ترکیب‌بندی را انجام می‌دهد و زیبایی را می‌آفریند و بعضی اوقات با نوعی چینش و آرایش معانی این اتفاق رخ می‌دهد.

در بررسی ادبی یک متن مهم این است که بینیم این فرم‌های لفظی و معنایی در چه سطحی از این متن مورد استفاده قرار گرفته‌اند. گاهی این فرم‌ها در سطح خرد یعنی در سطح یک یا چند عبارت و جمله مطرح می‌شوند و گاهی در سطح کلان. آن مقدار از بحث در سطح ادبیات که به چینش‌های خرد مربوط می‌شود یعنی چینش‌هایی که در فاصله‌هایی کوتاه رخ می‌دهند و بیشتر در سطح جمله‌اند نه در سطح متن، این نوع موارد در کتب معانی و بیان خیلی مفصل به این موضوع پرداخته‌اند. فرم‌های لفظی در سطح جمله، غالباً در مباحث مربوط به بدیع بحث می‌شوند؛ فرم‌های معنایی در سطح خرد، غالباً در مباحث علم معانی و بیان مطرح می‌شوند. قسمت‌هایی که مربوط به سیستم کلان حاکم بر متن است از حیث لفظی بخش عمده‌اش عروض و قافیه است و به طور سنتی در مباحث عروض و قافیه به جدّ به آن پرداخته شده است. به فرم‌های معنایی در سطح کلان - سبک‌شناسی^۱ و روایت‌شناسی^۲ - خیلی کم پرداخته شده است. تا جایی که می‌توان گفت تا قبل از دوره معاصر مغفول واقع شده است. در دوره معاصر شاهد شکل‌گیری رویکردهایی در جهت توجه به این سطح در مطالعات متنی هستیم (برای اطلاع بیشتر نک: محمدنام، ۱۳۹۶ش، ۱۲۱).

۱. stylistic؛ سبک را در زبان انگلیسی «style» و در زبان عربی «اسلوب» می‌گویند و سبک‌شناسی را معمولاً در زبان عربی «علم الأسالیب» ترجمه می‌کنند.

۲. روایت‌شناسی (Narratology) وظیفه مطالعه در مورد فرم‌های روایی و تحلیل و بررسی داستان‌ها و صور گوناگون حکایت و انواع گوناگون ناقلان حکایت را دارد.

بر اساس مطالب فوق‌الذکر، نمودار مباحثی که در سطح ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد بدین شکل است:



با مروری در شرح ریاض السالکین این نتیجه حاصل می‌شود که سید علی‌خان برخی از مباحث این سطح را به‌خوبی پوشش داده و کوشیده زیبایی‌های هنری و بلاغی ادعیه را نمایان سازد.

صاحب ریاض که خود ادیب طراز اولی است به مباحث خرد معنایی مطرح در دانش بیان پرداخته و سعی کرده جلوه‌های آن را در فرازهای ادعیه امام سجاد (ع) نمایان سازد. او به مواردی مانند: ۱. تشبیه (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۶۷؛ ۲: ۱۴۶؛ ۳: ۱۲۲؛ ۴: ۷۷؛ ۵: ۶۶۶، ۲۶۰) برای اطلاع از سایر موارد نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴) و انواع آن مانند تشبیه بلیغ (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۵؛ ۲: ۱۵۹، ۵: ۶۹، ۳۵۰؛ ۶: ۳۸۷)؛ ۲. استعاره و انواع متعدد آن مانند استعاره تبعی (همان، ۱: ۲۴۴، ۲: ۱۹۸، ۲۴۴، ۴۳۷ و ...)، استعاره بلیغ (همان، ۷:

(۳۵۲)، استعاره مرشح‌ه (همان، ۱: ۱۶۷؛ ۲: ۵۰)، استعاره مکنیه (همان، ۱: ۳۲۸، ۲: ۱۹۵ و ۳۱۷، ۳: ۱۲۲؛ ۵: ۳۶۶ و ...); ۲. مجاز (همان، ۱: ۱۸۳، ۳: ۴۵۰، ۴: ۲۶۵ و ...) و انواع آن مانند مجاز عقلی (همان، ۲: ۲۳۰، ۳: ۳۹۷، ۱۲۲: ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹؛ ۴: ۱۰، ۱۲۶، ۲۹۰، ۳۳۱ و ...)، مجاز حکمی (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۷۷)، مجاز لغوی (همان، ۴: ۹؛ ۶: ۱۲۹)، مجاز مرسل (همان، ۴: ۲۱۵، ۲۵۰، ۴۶۷؛ ۵: ۱۸۰، ۲۰۲، ۲۰۶، ۳۰۳، ۳۰۴ و ...)؛ ۳. کنایه (همان، ۱: ۵۷، ۱۱۴، ۴۷۴؛ ۲: ۳۸، ۲۳۱ و ...)؛ ۴. احتراس (همان، ۲: ۱۰۱، ۳: ۲۴۱؛ ۷: ۶۷) اشاره کرده است.

همچنین سیدعلی شیرازی به مباحث صنایع خرد معنایی مطرح در علم معانی نیز اهتمام داشته است، از جمله آن‌ها می‌توان مواردی مانند ایجاز و اطناب (همان، ۱: ۱۲۱، ۲: ۲۲۵؛ ۶: ۲۷۲ و ۷: ۳۵۴، ۱۰: ۶۶)، قصر و انواع آن مانند قصر مسند بر مسندالیه (همان، ۱: ۳۹۰) را عنوان کرد.

جلوه‌های زیبایی‌سختن در علم بدیع مطرح است، البته این وجوه علاوه بر لفظ، معنا را نیز در برمی‌گیرد. سیدعلی مدنی از محاسن کلام مطرح در علم بدیع به موارد متعددی اشاره کرده است. از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی مانند: ۱. انواع جناس مانند جناس تصحیف (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۱۵۳ و ۲۴۴) و جناس تصریف (همان، ۴: ۴۵۹)؛ ۲. لف و نشر (معکوس ترتیب) (همان، ۵: ۲۹۵)؛ ۳. توریه (همان، ۱: ۱۰۳؛ ۴: ۱۶۵)؛ ۴. طباق (همان، ۵: ۱۵۳)؛ ۵. أسلوب حکیم (همان، ۴: ۱۶۵)؛ ۶. تقدیم و تأخیر، اسباب تقدیم (همان، ۷: ۴۰۷ و ۴۲۱)، فوائد تقدیم (همان، ۱: ۳۹۶؛ ۴: ۱۲۷؛ ۶: ۴۰۹ و ۷: ۳۱۹ و ۳۴۵ و ۳۹۰)؛ ۷. استخدام (همان، ۱: ۲۶۱، ۴: ۱۰۵ و ۳۷۹؛ ۵: ۵۳۳)؛ تخیل (همان، ۳: ۱۲۲؛ ۵: ۳۱۸، ۳۶۶، ۴۱۸، ۴۵۵ و ...)؛ ۹. ترشیح (همان، ۱: ۱۶۷؛ ۲: ۱۰۲، ۱۰۳ و ۳۱۷ و ...)؛ ۱۰. ادماج (همان، ۳: ۱۹۳)؛ ۱۱. احتیاج (همان، ۴: ۵۷)؛ ۱۲. ارداف (همان، ۵: ۱۵۲)؛ ۱۳. التفات (همان، ۱: ۳۳۱؛ ۲: ۲۰۷؛ ۳: ۳۸۱ و ...) اشاره کرد.

نکته قابل توجه در این رابطه این است که مباحث علم بدیع صرفاً مباحث زیبایی‌شناسی صرف نیست تا منجر به این پندار شود که سطح ادبی در پی تفسیر نیست بلکه تنها به دنبال «زیبایی‌شناسی» است. بلکه سطح ادبی فراتر از مباحث زیبایی‌شناسی است و مباحث زیبایی‌شناختی، بخش کوچکی از سطح ادبی بشمار می‌رود. در سطح ادبی مفسر از ترکیب اولیه عناصر زبانی و نشانه‌ای فراتر رفته و بیشتر به حوزه آفرینش‌های ادبی می‌پردازد. هرگاه با ترکیبی از عناصر زبانی -

مجموعه‌ای از واژگان و دستور زبان - بتوان ارزش افزوده‌ای بیش از ارزش واژگانی و دستوری ایجاد کرد با یک خلق ادبی مواجه هستیم یعنی آن ارزش افزوده، ارزش ادبی است.

ارزش ادبی می‌تواند هم در حوزه محتوا و هم در حوزه لفظ باشد؛ به‌عنوان مثال وی در شرح عبارت «...وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَ اَزْكَى مَنْ نَظَرَ اِلَيْهِ...» از دعای چهل سوم - دعای هنگام رؤیت هلال - اشاره می‌کند که التفات رخ داده و از التفات استفاده معنایی کرده و می‌گوید: درباره هلال، التفات رخ داده از خطاب به غیاب بیانگر این معناست که وقتی خدای متعال مورد خطاب قرار می‌گیرد در محضر خدای متعال (محبوب) سایر چیزها به کنار و غیاب می‌رود و غیر او اصلاً مورد توجه و عنایت قرار نمی‌گیرد (همان، ۵: ۵۳۳)

از جستجوی صنایع ادبی مطرح در سطح کلان در این شرح، نتیجه‌ای حاصل نشد فلذا می‌توان گفت نگاه صاحب ریاض در این شرح فراتر از جمله نرفته و به صنایع ادبی لفظی و معنایی مطرح در بین چند جمله و در کل پیکره ادعیه و ساختارها توجه نکرده است. به بیان دیگر وی نگاهی جزئی نگر و سوزنی داشته است.

صحیفه سجادیه بذاته گفتار شفاهی و نه مکتوب است. از این رو مانند همه متون شفاهی، حضرت زین‌العابدین (ع) در مقام القای ادعیه، به بافت و قرائن محیطی و ذهنی مخاطبان خود توجه داشته و به آن‌ها تکیه کرده است. از این رو در فهم مضامین ادعیه، شرح اصیل و جامع آن بدون توجه به آن بافت و قرائن، ناقص و گاهی نادرست خواهد بود. سطور سیاه و متن دعاها متعهد است که عبارات القا شده امام (ع) را به مخاطبان انتقال دهد ولی متعهد نیست که بافت را هم انتقال بدهد. از این رو شارح برای این که بتواند یک متن را بفهمد، باید از سطح زبان و ادبیات فراتر رود و وارد بحث از بافت فرهنگی بشود و تصویری ارائه دهد که متن در چه بافت فرهنگی بیان شده است. در این مرحله، شرح وارد سطح عمیق‌تری می‌شود که به آن دریافت مبتنی بر متن با تکیه بر فهم فرهنگی گفته می‌شود. البته فهم و دریافت فرهنگی در واقع متمم و مکمل فهم زبانی و ادبی است، یعنی در تفسیر برخی فقرات ادعیه که فهم زبانی و ادبی کفایت نمی‌کند، نیاز هست شارح وارد سطح فرهنگی هم بشود. اما متأسفانه شرح ریاض السالکین با تمام ارزش و اهمیتی که دارد به سطح فرهنگی نپرداخته است، در حالی که جهان اسلام در زمان حیات امام (ع) درگیر بحران‌های سیاسی - اجتماعی داخلی بود،

امویان افکار و گفتمان‌های متعددی از جمله جبرگرایی و عدم محبت به اهل بیت (ع) را ترویج می‌کردند، جامعه شیعه دچار تفرق شده بود و ... امام سجاد (ع) در بطن چنین فضایی و در واکنش به گفتمان‌های غالب آن روزگار از جمله گفتمان پیامبرزادایی، سنت‌گریزی و قرآن‌بسندگی، متون ادعیه را القای فرمودند (ر. ک: نضراوی، ۱۳۹۴ ش، ۸۰ به بعد) و به همین خاطر فهم جامع و کامل از ادعیه نیازمند وارد شدن به چنین مباحثی است.

۳-۲. دریافت مبتنی بر فرای متن

در دسته قبل شارح بر متن اصلی یعنی متون ادعیه تکیه داشت ولی در این دسته شارح به عرصه فرای متن قدم می‌گذارد و دیگر بر متن اصلی تکیه ندارد. شارح در این گام، تکیه بر متن اصلی را رها کرده و بر متون دیگر تکیه دارد. به بیان بهتر شارح از یک متن به متن دیگری انتقال پیدا می‌کند، نه این‌که متن اصلی مطلقاً، رها شود. البته در اینجا متن به معنای اخص خود یعنی متون نقلی مورد نظر است. حال سؤال این است که این متون نقلی دیگر چه متونی هستند؟

در تفسیر ریاض السالکین می‌توان دو متن نقلی دیگر را مشاهده کرد که سیدعلی خان روی آن متون تکیه و تأکید زیادی داشته است و آن دو متن عبارت‌اند از: ۱. آیات قرآن کریم ۲. سخنان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع).

۳-۲-۱. دریافت فرای متن با تکیه بر آیات قرآن کریم

صاحب ریاض السالکین به کرات سعی کرده آیات قرآن کریم را مبنای فهم و تفسیر خود از فقرات ادعیه صحیفه سجاده قرار بدهد. او با برقراری ارتباط بین فقرات ادعیه و آیات قرآن کریم در تلاش است آن فهمی که آیات قرآن القاکننده آن است را به عرصه تفسیر فرازها و جملات ادعیه بکشانند. نقش آیات قرآن کریم در شکل‌گیری شرح ریاض السالکین خیلی پررنگ است. بر اساس فهرستی که در کتاب «فهارس ریاض السالکین» آمده بیش از ۱۵۰۰ آیه قرآن کریم - حدود یک‌چهارم قرآن - در این شرح مطرح شده است (نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۱۰۳-۷). به همین خاطر از این جنبه می‌توان شرح ریاض السالکین را شرحی قرآنی بر صحیفه سجاده دانست. از سوی دیگر توضیحات ادبی وی در ذیل آیات، به این شرح صبغه تفسیر ادبی از آیات قرآن داده است.

در مقام خوانش و ترجیح قول نسخه‌ای بر سایر نسخ و هم در مقام ترجیح معانی

واژگان یکی از معیارهای وی علاوه بر بحث‌های فنی ادبی، استشهاد به آیات قرآن کریم است. به عنوان مثال ایشان در ذیل این عبارت «قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذْلَاءِ الْمُذْنِبِينَ»؛ نفس خود را در جایگاه خواران گناهکاران وا داشته‌ام. از دعای ۵۳ بعد از بحث‌های فنی ادبی درباره این که به لحاظ عربیّت «أَوْقَفْتُ» أفصح است یا «وَقَفْتُ»، در نهایت با قرینه آیه «وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (الصفات: ۲۴) نقل «وَقَفْتُ» را مرجح دانسته است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۴۰۱؛ سایر موارد نک: ۱: ۲۷۵ و ۳۹۲؛ ۲: ۱۰۰ و ۱۱۴ و ۴۳۷؛ ۳: ۳۲۵؛ ۶: ۲۳۸؛ ۷: ۲۸۴).

از آنجاکه قرآن کریم وحی الهی، متنی متعالی و مورد اتفاق همه است، می‌توان با رویکرد بینامتنی و عرضه دعاهای صحیفه سجاده بر قرآن کریم و استخراج تلمیحات، ارزش محتوایی صحیفه سجاده را نشان داد. تلمیح در اصطلاح علم بدیع، اشاره کردن به آیه، حدیث، شعر و یا قصه مشهور در اثنای کلام است (همایی، ۱۳۶۴ش، ۲: ۳۲۸). وجه افتراق تلمیح با اقتباس و تضمین در این است که در این صنایع - اقتباس و تضمین - آیه، حدیث، مثل یا شعر یا بخشی از آن‌ها به طور کامل نقل می‌شود، ولی در تلمیح، اشاره بدون تصریح و با حداقل کلمات صورت می‌گیرد تا با تداعی شدن آن‌ها مقصود گوینده واضح‌تر شود (احمدنژاد، ۱۳۸۳ش، ۸: ۱۳۵). ارزش تلمیح به میزان تداعی بستگی دارد که از آن به دست می‌آید. هر قدر اسطوره‌ها و داستان‌های مورد اشاره لطیف‌تر باشد، تلمیح بلیغ‌تر محسوب می‌شود.

صحیفه سجاده تلمیحات فراوانی از قرآن را در خود جای داده است. در پژوهشی که در این زمینه صورت گرفته تعداد تلمیح‌های قرآنی ۲۱۸ مورد در ذیل ۴۷ دعای صحیفه گزارش شده است و برای دعاهای ۱۵، ۱۸، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۳۹ تلمیحی ذکر نشده است (غلامعلی، ۱۳۸۹ش، ۱۲۹). صاحب ریاض السالکین به ۶۹ تلمیح در ذیل ۲۴ دعا اشاره کرده است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۴۸ و ۳۷۸؛ ۲: ۱۱۱؛ ۳: ۵۱۴؛ ۴: ۹۸، ۱۴۳، ۲۱۷ و ۳۹۰؛ ۵: ۸۴، ۱۱۶، ۴۰۶ و ۴۱۰ و ...) این موارد با جستجوی عبارت «و فِيهِ تَلْمِيحٌ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى» در منابع الکترونیکی کتاب قابل استخراج است. البته به موارد مذکور باید ۲۸ مورد دیگر را افزود که در آنها سید علی خان با لفظ تلمیح آن‌ها را بیان نکرده بلکه با عبارت «أَشَارَةٌ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى» آن‌ها را بیان کرده است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۵۸، ۴۴۷ و ۴۵۷؛ ۲: ۱۹، ۱۹۴ و ۴۱۵؛ ۳: ۱۲۰ و ۱۵۹؛ ۴: ۶۱، ۱۱۱ و ۱۲۴ و ...).

با بررسی تلمیحاتی که مورد تصریح سید علی خان است می‌توان گفت که سید از بحث تلمیح به عنوان یکی از ابزارهای شرح و تفسیر استفاده کرده است. با این توضیح

که او با ارتباط برقرار کردن بین فقره‌ای از دعا با آیات قرآن، در صدد بیان تفسیر خود از آن فقره، از طریق آیات قرآن است. مؤید این برداشت، تفاوت فاحش بین تلمیحات قرآنی استخراج شده در سایر پژوهش‌ها - ۲۱۸ مورد - با تلمیحات مورد اشاره صاحب ریاض - ۶۹ + ۲۸ مورد - است. این موارد اختلاف نشان می‌دهد که سیدعلی خان فقط در مواردی که آیه قرآن را هم سو با فهم و برداشت خود از فقره‌ای از دعا می‌دیده به آن اشاره کرده است و گفته که این فرموده امام تلمیح به فلان آیه قرآن است و در سایر موارد به آن‌ها اشاره‌ای نکرده است. به‌عنوان مثال او از آنجاکه بازگشت «التنافس» و «المشاحه» را به یک معنا و مرجع واحد می‌داند، می‌گوید در عبارت «... وَ الْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَى مَا أُرِدَتْ ...» تلمیحی به آیه «... وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (المطففين: ۲۶) صورت‌گرفته است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۵۸).

وی همچنین با استفاده از تلمیح به آیات قرآن، ارتباطی بین تفسیر قرآن و ادعیه برقرار کرده است و سعی کرده به نوعی اقوال مطرح شده در ذیل تفسیر آیات مربوطه را به عرصه تفسیر ادعیه صحیفه سجادیه بکشانند. برای نمونه سیدعلی خان با ارتباط برقرار کردن و پل زدن بین این فقره از دعای ۲۲ صحیفه سجادیه «وَهَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَ أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ...» با آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...» (الانعام: ۱۲۲) از اقوالی که در تفاسیر قرآن برای بیان مراد از «النور» و «یمشی به فی الناس» آمده برای شرح و تفسیر «نوراً» و «أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» که در دعای صحیفه آمده، استفاده کرده است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۵۱۴).

۳-۲-۲. دریافت فرای متن مبتنی بر روایات

از دیگر متونی که شارح صحیفه کوشیده با ابتناء و تکیه بر آن‌ها، فهمی از ادعیه صحیفه سجادیه داشته باشد روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) و سایر ائمه اطهار (ع) است. او هم برای توضیح معنای واژگان از روایت بهره می‌گیرد و هم برای توضیح عبارات و جمالات. به‌عنوان مثال وی در شرح واژه «قوت و رزق» در فراز «جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوْتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ» دعای اول، می‌گوید منظور از «قوت و رزق» در دعای اعم از غذای جسمانی و روحانی است و دلیل این معنا را استعمال شایع آن در روایات نبوی و ائمه بیان می‌کند و شواهدی از این روایات را می‌آورد (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۲۸۰) در توضیح معنای «توبه نصوح» به روایتی از امام صادق (ع) تکیه می‌کند (همان، ۶: ۱۲۵)؛

سایر موارد: ۲: ۹۰ و ۳۸۸، ۶: ۳۱) و برای توضیح عبارتی از دعای اول: «وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْأَوْصِيَيْنِ» از دو روایت از حضرت رسول (ص) استفاده کرده و با توجه به آن دو روایت مراد از عبارت مذکور را بیان می‌کند (همان، ۱: ۲۵۷). کتاب فهارس ریاض السالکین، فهرست بلندبالایی (حدود ۸۰ صفحه) از این روایات را آورده است. همچنین مطابق آمار این کتاب سید علی خان از کتاب‌های کافی کلینی، بصائر الدرجات صفار، من لا یحضره الفقیه، التوحید، الخصال و علل الشرائع شیخ صدوق، مکارم الاخلاق طبرسی، اربعین شیخ بهائی بیشترین نقل روایت را دارد (مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۱۵۶-۳۰۰). شارح صحیفه همچنین از منابع روایی اهل سنت هم نقل کرده است. از جمله آن‌ها عبارت است از: صحیح بخاری (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۸۳؛ ۲: ۴۱۱؛ ۵: ۱۲۸، ۱۳۰؛ ۶: ۱۴۳؛ ۷: ۲۰۶)، صحیح مسلم (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۸۴، ۵۰۳؛ ۲: ۴۱۱؛ ۳: ۴۹۹؛ ۴: ۲۷۵؛ ۶: ۵۳ و ۱۴۳)، شرح صحیح مسلم از نووی (همان، ۳: ۴۹۹؛ ۴: ۱۵۳؛ ۵: ۱۷۹ و ۳۳۰؛ ۶: ۵۳ و ۱۴۳)، همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع و الدر المنثور سیوطی (همان، ۵: ۹۵؛ ۶: ۲۴۰، ۳۲۱؛ ۷: ۳۰، ۲۳۳، ۲۶۵).

یکی از تلاش‌های درخور تحسین سید علی خان در ریاض السالکین این است که او در موارد متعددی تلاش کرده با نظیریابی و برقراری ارتباط بین سخنان حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه با ادعیه امام سجاد (ع) به شرح و تفسیر برخی فرازها پردازد. این عملکرد او اولاً نشان از تسلط و اشراف او به نهج البلاغه دارد، ثانیاً حاکی از قرابت محتوایی این دو کتاب گران‌سنگ است و این کار وی بستری را برای مقایسه محتوایی بین این دو کتاب ارزشمند فراهم ساخته که بایسته است توسط محققان علوم معارف اهل بیت (ع) پرورانده شود. صاحب ریاض در شرح خودش بیش از یک‌صد مورد نقل از نهج البلاغه کرده است که مصحح و محقق ریاض حدود ۵۰ مورد را در ذیل ۲۵ دعا استخراج کرده و تحت عنوان «الفهرس المقارن بین نهج البلاغه والصحیفه السجّادیه» ذکر کرده است. به‌عنوان نمونه وی در شرح بند «و تَهَوَّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحُلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا» در توضیح عبارت «كُلَّ كَرْبٍ» می‌گوید که منظور سكرات و دشواری‌های جان‌کنند است که نمی‌توان آن را با بیان شرح داد (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۲۹). همان‌گونه که امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه فرموده: «(به‌رحال) مرگ دشواری‌هایی دارد که انسان را در خود غرق می‌کند. مشکلاتی که هراس‌انگیزتر از آن است که بتوان در قالب الفاظ ریخت یا اندیشه‌های اهل دنیا آن را درک کند؛ وَإِنَّ لِلْمَوْتِ لَعَمْرَاتٍ هِيَ أَفْظَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرِقَ بِصِفَةٍ أَوْ تَعْتَدَلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا (سیدرضی، ۱۴۱۴ق،

۳۱؛ برای سایر موارد نک: مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۴۰۴؛ ۳: ۱۴۰، ۷: ۳۲۶). همچنین در برخی موارد متعرض تعارض ظاهری بین سخنان امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه و سخنان امام زین العابدین (ع) در صحیفه شده و سعی کرده آن را برطرف نماید. به‌عنوان نمونه: سید علی خان می‌گوید ممکن است کسی بگوید چگونه امکان دارد حمد مددکار انسان برای ادای حق و وظائف الهی باشد همان‌گونه که امام سجاد (ع) فرموده: «وَ عَوْنًا عَلٰی تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶ش، ۳۳). درحالی‌که در سخنان امیرالمؤمنین (ع) آمده است که: «...و لا یؤدّی حَقَّهُ المَجْتَهِدُونَ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۳۹)؛ تلاش‌گران و کوشش‌کنندگان حق او را ادا نمی‌کنند هرچند خود را به تعب بیفکنند. او سپس در مقام پاسخ به این تعارض ظاهری می‌گوید: مراد از نفی تلاش‌گران از ادای حق خدای متعال در سخن امیرالمؤمنین (ع)، نفی از ادای کردن حق نعمت خدای متعال و شکرگزاری در برابر آن نعمات است و مراد از ادای حق خدای متعال در دعای امام سجاد قیام برای انجام دادن تکالیف الهی است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۴۰۴-۴۰۵).

۳-۳. دریافت از طریق نقل تفسیر در تفسیر

بر پایه اصل اساسی بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند (نامور مطلق، ۱۳۹۰ش، ۲۷). به بیان دیگر، وقتی متنی به رشته تحریر در می‌آید، تمام مطالب و محتوای آن متن تألیف و ساخته و پرداخته خود مؤلف متن نمی‌باشد بلکه انواعی از رابطه‌ها بین آن کتاب و کتب سابقی که در آن زمینه نوشته شده وجود دارد. به‌ویژه در جهان اسلام یکی از کارهای متداول بین علماء در علوم مختلف اسلامی و مخصوصاً شارحان و مفسران متون دینی این مطلب است که برای تفسیر یک متن، تفاسیر و شرح‌های دیگری را که در آن زمینه سابقاً به نگارش درآمده‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهند. نتیجه این بررسی و برقراری ارتباط می‌تواند به چند شکل و حالت در تفسیر جدید انعکاس و نمود داشته باشد که عبارت‌اند از: الف. نقل عین مطلب از کتب سابق، ب. تضمین و مزج مطالب کتب سابق در شرح جدید، ج. افزایش یا کاهش عمق سطح مطالب کتب سابق در شرح جدید (برای اطلاع بیشتر نک: محمد نام، ۱۳۹۶ش، ۱۷۷).

در ریاض السالکین به‌کرات می‌توان مشاهده کرد که سید علی خان عین مطلبی را از منابع لغوی، کتاب‌های شعر، متون تاریخی، منابع کلامی، تفاسیر قرآن، منابع فقهی، کلامی، اخلاقی و کتب سابق نقل می‌کند و خواننده را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد

که بخش اعظمی از ریاض السالکین را نقل از گذشتگان تشکیل می‌دهد. به‌عنوان مثال در تعیین مصادیق ضمیر «هم» در عبارت «وَ اشْكُرْهُمْ عَلٰى هَجْرِهِمْ فَيَكُ دِيَارَ قَوْمِهِمْ» از دعای چهارم که درباره ایمان آورندگان به رسل است عبارتی دراز دامن را از شرح ابن ابی الحدید آورده است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۰۹؛ سایر موارد نک: ۱: ۳۲۸؛ ۷: ۱۴۵؛ ۴: ۱۹۰؛ ۵: ۴۵۷ و ۴۸۳).

او فردی متبّع بوده و از کثرت نقل‌هایی که در این کتاب صورت گرفته می‌توان متوجه شد که به کتابخانه‌ای عظیم دسترسی داشته است. یکی از هزاران محاسن کار او در این شرح این است که شیوه نقل او از یک استاندارد تبعیت می‌کند. او در اکثر مواقع، به هنگام نقل مطلبی، ابتدا منبع آن را - اعم از نام کتاب یا صاحب کتاب - ذکر می‌کند و سپس مطلب را آورده و در آخر با عبارت «إِنَّهٗ كَلَامُهٗ» یا «إِنَّهٗ» پایان نقل را مشخص می‌کند. فلذا با یک جستجوی ساده در منابع الکترونیکی از جمله نرم‌افزار جامع الاحادیث می‌توان به حدود هزار مورد از مطالبی که سید علی خان با این شیوه نقل کرده دسترسی پیدا کرد (همان، ۱: ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۹۸، ۴۹۹؛ ۲: ۱۰۷، ۱۸۳، ۱۸۹، ۲۳۳، ۳۵۸، ۳۷۵، ۴۰۹، ۴۷۴؛ ۳: ۱۳۰، ۲۸۸، ۳۱۲، ۴۵۳؛ ۴: ۴۷، ۳۸۵؛ ۵: ۱۷، ۹۶، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۴۴۲، ۵۱۵؛ ۶: ۱۶۰، ۱۲۲، ۲۲۶، ۴۱۶؛ ۷: ۴۸، ۲۱۴؛ برای موارد بیشتر نک: مظفر، ۱۴۱۹ق، ۱: ۳۶۳-۳۰۱).

میرزا عبدالله افندی در رابطه با شرح‌های صحیفه مورد استفاده صاحب ریاض می‌نویسد: سید علی خان گفته‌های شارحان را آورده ولی از گفته‌های شیخ‌بهایی جانبداری بیشتری کرده است (افندی، ۱۴۰۱ق، ۳: ۳۶۶). او بالغ بر ۵۰ مورد از شیخ بهائی مطالبی را نقل کرده است (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۴۵؛ ۲: ۲۵۷؛ ۵: ۵۱۰، ۵۲۰، ۵۲۷، ۵۳۲، ۵۳۳). همچنین صاحب فهارس ریاض السالکین در این زمینه نوشته است سید علی شیرازی در بین قاموس‌ها بیشتر متعرض اقوال القاموس المحيط فیروزآبادی، برای توضیح معانی اعتمادش بر مفردات راغب اصفهانی و از بین تفاسیر قرآن به تفسیر غرائب القرآن نیشابوری و تفسیر بیضاوی تکیه کرده و از آن‌ها در موارد متعددی مطالبی نقل کرده است. همچنین او بر آثار زمخشری اعتماد وافری داشته و از کتب او مانند کشاف و الفائق به‌کرات نقل کرده و در برخی موارد اقوال زمخشری را بر جوهری ترجیح (به‌عنوان شاهد مطلب بنگرید به: مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۲۸۸؛ ۶: ۹۱) داده است (مظفر، ۱۴۱۹ق، ۲: ۷۱۸-۷۲۳).

از نکات قابل توجه در رابطه با شرح ریاض السالکین این است سبک و روحیه شارح

صحیفه در نقل مطالب شباهت زیادی به سبک و روحیه طبرسی در مجمع‌البیان دارد. شارح صحیفه علاوه بر این‌که از مجمع‌البیان زیاد نقل کرده (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۸۹، ۲۳۳، ۲۸۹، ۴۰۹، ۴۱۲ و ۵۰۶؛ ۵۱۱؛ ۴: ۸۶، ۴۷۲؛ ۵: ۴۳۹، ۴۴۰، ۵۰۳؛ ۶: ۵۸، ۱۷۱، ۲۷۰، ۳۳۶، ۳۸۳؛ ۷: ۷، ۱۳۶، ۳۰۷، ۳۱۱، ۴۲۳)، کوشیده رویکرد او را الگوی خود در نقل مطالب قرار دهد. دانسته است که طبرسی در نقل اقوال تعصبی نشان نمی‌داده و به همه اصناف و فرق به یک دیده می‌نگریسته، آنچه را صحیح و معقول می‌دانسته، از هر کس که باشد، چه مخالف و چه موافق، بازگو می‌کرده و در تقدیم و تأخیر نام آنان غرضی خاص، نداشته است. این شیوه‌ای است که می‌توان در ریاض السالکین هم مشاهده کرد.

۴. نتیجه‌گیری

در جواب به سؤال اصلی مقاله که اطلاعات افزوده در شرح ریاض السالکین از چه منشأی فراهم آمده است، می‌توان گونه‌شناسی ذیل را بیان کرد:

۱- بخش عمده‌ای از دریافت و فهم‌های سید علی خان در ریاض السالکین مبتنی بر خود متون ادعیه می‌باشد. وی با بهره‌گیری از علوم زبان‌شناختی توانسته به خوبی مضامین ادعیه را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهد و از رهگذر این فرایند تحلیلی، اطلاعات افزوده‌ای را در شرح خود بیاورد. گونه‌شناسی این اطلاعات افزوده عبارت است از:

الف. دریافت مبتنی بر متن در سطح زبانی: ایشان از رهگذر داشتن تبحر ویژه در علوم لغت و اشتقاق، به معنای تک‌تک مفردات ادعیه پرداخته و وجوه معانی مختلف آن‌ها را از کتب لغت متعدد ذکر می‌کند. بررسی عملکرد وی نشان از این دارد که وی به مترادف تام/هم‌معنایی واژگان معتقد نبوده و از این‌رو سعی در تبیین ظرافت‌های معنایی واژگان متقارب المعنی دارد. توجه به ریشه‌شناسی الفاظ و همچنین بررسی دقیق واژگان غریب از دیگر ویژگی‌های خاص ایشان در سطح زبانی است. در گام بعد صاحب ریاض با استفاده از علم صرف و نحو به تکمیل مباحث لغوی خود پرداخته و هنر اجتهاد خود را به نمایش گذاشته است.

ب. دریافت مبتنی بر متن در سطح ادبی: در دریافت مبتنی بر متن در سطح ادبی ایشان با بهره‌گیری از علوم بلاغت به صنایع ادبی لفظی و معنایی در سطح واژه و جمله پرداخته است ولی توجهی به صنایع ادبی فراتر از یک جمله توجهی نکرده است. همچنین در مقام مقایسه غنای مباحث سطح زبانی به مراتب بیشتر از مباحث سطح ادبی است.

۲- بخش دیگری از اطلاعات افزوده در ریاض السالکین نه این که حاصل تجزیه و تحلیل متون ادعیه باشد، بلکه حاصل پیوند محتوای ادعیه با متون نقلی دیگر است که گونه‌شناسی آن‌ها عبارت‌اند از:

الف. دریافت مبتنی بر فرای متن با تکیه بر آیات قرآن کریم؛ صاحب ریاض ضمن برقراری بینامتنیت بین فرازهای ادعیه با آیات قرآن کریم به اطلاعات افزوده‌ای دست‌یافته است. وی در موارد متعدد در مقام ترجیح معنا و اقوال، به آیات قرآن استناد می‌کند. همچنین به تناسب محتوای ادعیه، آیات مرتبط قرآن را مطرح کرده و به تفسیر آن‌ها اقدام کرده و این باعث شده این شرح منبعی برای تفسیر آیات قرآن هم باشد.

ب. دریافت مبتنی بر فرای متن با تکیه بر روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع): سید علی خان با برقراری بینامتنیت بین مضامین ادعیه و روایات به شرحی روانی اقدام کرده است. هر چند عمده روایات مورد استفاده وی از منابع شیعی است ولی ایشان در موارد متعددی از روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) در منابع اهل سنت نیز بهره برده است. در این راستا برقراری ارتباط بین مضامین ادعیه با فرمایشات امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه نمود ویژه‌ای در شرح دارد.

شارح صحیفه به اساتید و منابع غنی دسترسی داشته و در نوشتن ریاض السالکین از آن‌ها استفاده کرده است و بخش قابل توجهی از این شرح را نقل از منابع متنوع تشکیل داده است. از همین جاست در ریاض السالکین می‌توان مطالب کلامی، تفسیری، عرفانی و روایی را به وفور یافت. البته او به نقل اکتفا نکرده و در موارد متعددی به داوری بین اقوال پرداخته و با بحث‌های اجتهادی سعی کرده نظری را ترجیح داده یا تقویت بکند.

منابع

قرآن کریم.

احمدنژاد، کامل، «تلمیح»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۳ش.

افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، قم، نشر خیام، ۱۴۰۱ق.

امینی، عبدالحسین، الغدير، قم، مرکز الغدير، ۱۴۱۶ق.

پاکتچی، احمد، ترجمه‌شناسی قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲ش.

_____، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ش

رضوی، سیده محمد، «پژوهشی پیرامون مؤلف ریاض السالکین»، ماه دین، ۱۳۹۱ش، شماره ۱۸۴، صص ۹۲-۹۶.

سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

شهرستانی، سیدعلی، دارسة معجمیه، «جلد اول: الطراز الاول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول»، مشهد، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۸۴ش.

طهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

غلامعلی، احمد، «قرآن و صحیفه درون‌مایه‌های مشترک»، علوم حدیث، ۱۳۸۹ش، شماره ۵۷، صص ۱۱۹-۱۴۸.

فیض الاسلام، علی‌نقی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، تهران، فقیه، ۱۳۷۶ش.

قربانی زرین، باقر، «سه «ریاض» در شرح صحیفه سجادیه»، مجله سفینه، ۱۳۸۴ش، شماره ۶، صص ۱۱۶-۱۲۹.

محمدفام، سجاد، «بازنگری شاخص‌های طبقه‌بندی روش‌های تفسیری»، پایان‌نامه دکتری رشته تفسیر تطبیقی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، ۱۳۹۶ش.

مدنی شیرازی، سیدعلی‌خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین (ع)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.

مظفر، محمدحسین، فهارس ریاض السالکین، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹ق.

نامور مطلق، بهمن، «درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها»، شماره ۱ از مجموعه نظریه‌ها و نقدهای ادبی و هنری، تهران، سخن، ۱۳۹۰ش.

نصراوی، محمد، «بازسازی گفتمان پیامبر (ص) در صحیفه سجادیه؛ تحلیل کنش زبانی با استفاده از نظریه باختین و روش توصیفی فرکلاف»، پایان‌نامه ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دی ۱۳۹۴ش.

همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۴ش.

طیب حسینی، سید محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ش.

برونو اوزیمو، دوره آموزشی ترجمه، یونس دهقانی، مقدمه، جلسه ۱۷: تاریخ آخرین دسترسی: http://courses.logos.it/FA/1_17.html .۹۵/۵/۱۴